



Prediction of Marital Instability Based on Traumatic Childhood Experiences with the Mediation of Dark and Borderline Personality Traits

Atefeh Sayadfar¹, Tahereh Hamzehpoor Haghighi^{2*}

1- M.A Student in Clinical Psychology, Department of Psychology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

Corresponding author: Tahereh Hamzehpoor Haghighi, Assistant Professor, Department of Psychology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

Email: psy.hamzehpoor@gmail.com

Received: 1 Aug 2024

Accepted: 20 Nov 2024

Abstract

Introduction: Marital instability is one of the challenges of marital relationships that can be affected by various factors. The purpose of this study was to investigate the relationship between traumatic childhood experiences and marital instability with the mediating role of dark and borderline personality traits in married women.

Methods: The descriptive-correlation research method was the structural equation model type. The statistical population of the research included married women in Rasht city in 2024. The statistical sample of this research was considered to be 200 people and the people were selected as convince sampling. In this research, the Measuring Marital Instability (MMI), Childhood Trauma Questionnaire (CTQ), borderline personality Inventory (BPI), and Dark Triad Dirty Dozen (DTDD). The data were analyzed using SPSS and AMOS software version 24 and the structural equation modeling method.

Results: The results showed that traumatic childhood experiences ($\beta=0.528$) predict marital instability. Borderline personality traits ($\beta=0.351$) predict marital instability. Narcissism ($\beta=-0.124$), Machiavellianism ($\beta=-0.089$), and antisociality ($\beta=0.134$) do not predict marital instability ($P>0.05$). Traumatic childhood experiences predict narcissism ($\beta=0.543$), Machiavellianism ($\beta=0.630$), and antisocial behavior ($\beta=0.610$). Traumatic childhood experiences predict borderline personality traits ($\beta=0.833$). Traumatic childhood experiences with the mediating role of borderline personality traits ($\beta=0.29$) predict marital instability. Traumatic childhood experiences with the mediating role of dark personality traits (narcissism, Machiavellianism, and psychopathy) do not predict marital instability ($P>0.05$). The results also showed that the research variables explained 67% of the variance of marital instability of married women.

Conclusions: As a result, borderline personality traits can play a mediating role in the relationship between traumatic childhood experiences and marital instability, and dark personality traits cannot play a mediating role in the relationship between traumatic childhood experiences and marital instability.

Keywords: Childhood Trauma, Marital Conflict, Personality.



پیش‌بینی بی‌ثباتی زناشویی بر اساس تجارب آسیب‌زای کودکی با نقش میانجی صفات تاریک و مرزی شخصیت در زنان متأهل

عاطفه صیادفر^۱، طاهره حمزه‌پور حقیقی^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

۲- استادیار، گروه روانشناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

نویسنده مسئول: طاهره حمزه‌پور حقیقی، استادیار، گروه روانشناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.
ایمیل: psy.hamzehpoor@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۱

چکیده

مقدمه: بی‌ثباتی زناشویی یکی از چالش‌های روابط زناشویی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تجارب آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی با نقش میانجی صفات تاریک و مرزی شخصیت در زنان متأهل بود.

روش کار: روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع الگویابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان متأهل شهر رشت در سال ۱۴۰۳ بود. نمونه آماری این پژوهش ۲۰۰ نفر در نظر گرفته شد و اعضاء نمونه به صورت در دسترس و بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه‌های شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MMI)، ترومای کودکی (CTQ)، شخصیت مرزی (BPI)، و صفات تاریک شخصیت (DTDD) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و AMOS نسخه ۲۴ و به روش الگویابی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد تجارب آسیب‌زای کودکی ($\beta=0/528$) بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. صفات شخصیت مرزی ($\beta=0/351$) بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. خودشیفتگی ($\beta=-0/124$)، ماکیاولگرایی ($\beta=-0/089$) و جامعه ستیزی ($\beta=0/134$) بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کند ($P>0/05$). تجارب آسیب‌زای کودکی، خودشیفتگی ($\beta=0/543$)، ماکیاولگرایی ($\beta=0/630$) و جامعه ستیزی ($\beta=0/610$) را پیش‌بینی می‌کند. تجارب آسیب‌زای کودکی، صفات شخصیت مرزی ($\beta=0/833$) را پیش‌بینی می‌کند. تجارب آسیب‌زای کودکی با نقش میانجی صفات شخصیت مرزی ($\beta=0/29$) بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. تجارب آسیب‌زای کودکی با نقش میانجی صفات تاریک شخصیت (خودشیفتگی، ماکیاولگرایی و جامعه ستیزی) بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کند ($P>0/05$). نتایج همچنین نشان داد متغیرهای پژوهش در مجموع ۶۷ درصد از واریانس بی‌ثباتی زناشویی زنان متأهل را تبیین کردند.

نتیجه‌گیری: در نتیجه صفات شخصیت مرزی می‌تواند در رابطه تجارب آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی نقش میانجی ایفا کند، همچنین صفات تاریک شخصیت در رابطه بین تجارب آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی نقش میانجی ندارد.

کلیدواژه‌ها: آسیب کودکی، تعارض زناشویی، شخصیت.

مقدمه

ازدواج مناسب و رابطه رضایت بخش به پایدار بودن و ثبات رابطه بستگی دارد. به عبارتی رابطه ناموفق یا هر نوع بی‌ثباتی در رابطه زناشویی، منجر به سلب آرامش روانی زوجین و ناپایداری خانواده می‌گردد (۱). به همین دلیل افراد درگیر در روابط زناشویی بی‌ثبات، سلامت عمومی پایین‌تری نسبت به افرادی که در رابطه‌های پایدار هستند گزارش می‌کنند (۲). از آنجایی که زنان در مشکلات و بی‌ثباتی رابطه زناشویی از نظر احساسی و اجتماعی آسیب‌پذیری بیشتری دارند (۳)، به نظر می‌رسد آشفتگی رابطه زناشویی، پیامدهای منفی بیشتری برای آنها به همراه داشته باشد (۴). بنابراین ثبات زناشویی به عنوان شناسه‌ای از دوام و پایداری اعتماد، استقلال، دوستی متقابل و پیش‌بینی‌کننده کامیابی و شادی در زندگی زناشویی است (۵). بی‌ثباتی زناشویی (Marital Instability) زمانی مطرح می‌شود که هر دو یا یکی از زوجین به جدا شدن و طلاق فکر می‌کنند و یا اعمالی انجام می‌دهند که منجر به جدا شدن شود (۶، ۷). بی‌ثباتی زناشویی از عوامل مختلفی ناشی می‌شود، در این میان یکی از عوامل موثر بر بی‌ثباتی زناشویی، تجارب آسیب‌زای کودکی است (۸). تجارب آسیب‌زای کودکی (Traumatic Childhood Experiences) به آزار عاطفی، آزار جنسی، غفلت عاطفی و بد رفتاری جسمی اشاره دارد که برای کودک توسط افراد آشنا/مراقبین یا غیر آشنا اتفاق می‌افتد (۹، ۱۰). این تجارب نامطلوب می‌تواند رشد شخصیت و روابط بین فردی را تحت تأثیر قرار دهد و به طور بالقوه منجر به شکل‌گیری مشکلاتی در حفظ روابط زناشویی پایدار شود (۱۱، ۱۲). تأثیر چنین آسیب‌هایی اغلب عمیق است و بر مکانیسم‌های مقابله‌ای و پویایی کلی رابطه تأثیر می‌گذارد. پیشینه مطالعاتی نشان داده است افراد با تجارب آسیب‌زای کودکی در روابط زناشویی خود به طور کلی منزوی‌تر و پرخاشگرتر هستند و افکار مزاحم، احساس گناه و آشفتگی و تعارضات بیشتری تجربه می‌کنند (۱۳، ۱۴).

علاوه بر تجارب آسیب‌زای کودکی، مطالعات نشان می‌دهند صفات شخصیت در ثبات روابط زناشویی نقش کلیدی ایفا می‌کنند (۱۵، ۱۶). نظر می‌رسد یکی از عوامل تأثیرگذار دیگر بر بی‌ثباتی روابط زناشویی، صفات شخصیت مرزی (Borderline Personality Traits) است (۱۷). ویژگی‌ها و صفات شخصیت مرزی در افراد عادی نیز مشاهده می‌شود

و صرفاً مختص به جمعیت بالینی نیست (۱۸، ۱۹). صفات یا ویژگی شخصیت مرزی به طور معمول با تغییرات ناگهانی در خلق و خو، بی‌ثباتی در روابط، تکانشگری، آسیب زدن به خود و حساسیت به طرد مشخص می‌شود (۲۰، ۲۱). در واقع این صفات شخصیتی با الگوی پایداری از بی‌ثباتی روابط و بی‌ثباتی در خلق مشخص می‌شود (۲۲، ۲۳). نتایج مطالعات نشان داده است از بین ویژگی‌های شخصیت مرزی، بی‌ثباتی در روابط دارای بیشترین رابطه با تعارضات زناشویی هستند (۲۴). همچنین در تحقیقات متعددی مشخص شده است قرار گرفتن در معرض انواع مختلف بد رفتاری و تجارب آسیب‌زا در کودکی ممکن است به آسیب‌پذیری‌های شخصیتی متفاوتی مانند اختلال شخصیت مرزی منجر شود (۲۵، ۲۶). همین‌طور ماتتا (Maneta) و همکاران (۲۷) نتیجه گرفتند افراد دارای صفات شخصیت مرزی در روابط زناشویی، رفتارهای خسونت‌آمیز بیشتری نسبت به همسر خود نشان می‌دهند که این مسئله می‌تواند منجر به فروپاشی رابطه گردد.

علاوه بر این یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی تأثیرگذار بر روابط بین فردی و بی‌ثباتی روابط زناشویی؛ صفات تاریک شخصیت (Dark Personality Traits) است (۲۸، ۲۹). صفات تاریک شخصیت شامل مؤلفه‌های ماکیاولیگری (Machiavellianism)، خودشیفتگی (Narcissism) و جامعه ستیزی (Psychopathy) است (۳۰، ۳۱). ماکیاولیگری با بی‌اعتمادی و شکاک بودن، جامعه‌ستیزی با ارتباط خصومت‌آمیز و خود شیفتگی همراه با خود خواهی و نیاز افراطی به تعریف دیگران مشخص می‌شود (۳۲). پژوهش‌ها نشان داده‌اند صفات تاریک شخصیت با تأثیر بر کیفیت رابطه زناشویی تأثیر زیادی بر بی‌ثباتی رابطه زناشویی و دزدگی افراد در رابطه زناشویی دارند (۳۳، ۳۴). همچنین مطالعات نشان دهنده این موضوع هستند که تجربه رویدادهای آسیب‌زا و بد رفتاری کودکی عامل تأثیرگذاری بر شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی تاریک است (۳۵، ۳۶). بنابراین با توجه به آنچه که مطرح شد، می‌توان بیان کرد گسترش بی‌ثباتی در روابط زناشویی موجب نگرانی فزاینده شده است و منجر به بروز مشکلاتی برای فرد و جامعه گردیده است. از این جهت تحقیقات در این زمینه به چند دلیل حائز اهمیت است. در ابتدا به نظر می‌رسد با انجام این پژوهش بتوان درکی در مورد سازوکارهای روان‌شناختی اثرگذار بر بی‌ثباتی زناشویی زنان متأهل بدست آورد. این درک برای متخصصان سلامت روان و مشاوران در ارائه

شاخص‌های توصیفی، ضریب همبستگی و الگویابی معادلات ساختاری بود. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های مدنظر به وسیله برنامه‌های آماری SPSS نسخه ۲۴ و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

شاخص بی‌ثباتی ازدواج (Marital Instability Index): این پرسشنامه در سال ۱۹۸۷ توسط ادواردز (Edwards) و همکاران به منظور ارزیابی عدم ثبات در ازدواج تدوین شده است (۳۸). شاخص بی‌ثباتی ازدواج یک ابزار با ۱۴ گویه است. زیر مقیاس یافت نشد. پاسخ به هر سوال بر اساس طیف لیکرت ۴ درجه‌ای (هرگز = نمره ۱)، (گاهی = نمره ۲)، (اغلب = نمره ۳)، (خیلی = نمره ۴) انجام می‌شود. حداقل نمرات ۱۴ و حداکثر نمرات ۵۶ است و نمرات بالاتر نشان دهنده بی‌ثباتی بیشتر در ازدواج است. سطح بندی نمرات به این صورت است که نمره بین ۱۴ تا ۲۸ نشانگر این است که میزان بی‌ثباتی ازدواج در فرد پایین است، نمره ۲۸ تا ۴۲ نشانگر این است که میزان بی‌ثباتی ازدواج در فرد متوسط است و نمره ۴۲ تا ۵۶ نشانگر این است که میزان بی‌ثباتی ازدواج در فرد بالا است. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است (۳۸). در ایران نیز در پژوهش اسلامی باباحیدری (۳۹) پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۵ بدست آمد.

پرسشنامه تجارب آسیب‌زای کودکی (Childhood Trauma-Questionnaire): این پرسشنامه به منظور سنجش آسیب‌های کودکی توسط برنستاین (Bernstein) و همکاران (۴۰) در سال ۲۰۰۳ تدوین شد. پرسشنامه تجارب آسیب‌زای کودکی دارای ۲۸ عبارت است که ۳ سوال آن مربوط انکار مشکلات کودکی است. این پرسشنامه دارای ۵ بُعد سوء استفاده عاطفی (Emotional Abuse) با ۵ عبارت (۳، ۸، ۱۴، ۱۸، ۲۵)، سوء استفاده فیزیکی (Physical Abuse) با ۵ عبارت (۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷)، سوء استفاده جنسی (Sexual Abuse) با ۵ عبارت (۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۷)، غفلت عاطفی (Emotional Neglect) با ۵ عبارت (۵، ۷، ۱۳، ۱۹، و ۲۸) و غفلت جسمی (Physical Neglect) با ۵ عبارت (۱، ۴، ۶، ۲۶) است. شیوه نمره گذاری سؤالات ۲، ۵، ۲۶، ۷، ۱۳، ۱۹ و ۲۸ معکوس است. پاسخ به هر عبارت بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از (هرگز = یک) تا (همیشه = پنج) نمره گذاری شد. دامنه نمرات برای هر یک از زیر مقیاس‌ها ۵

مداخلات درمانی موثر برای زوجینی که چالش‌های روابط زناشویی را تجربه می‌کنند اهمیت دارد. در واقع درک تأثیر تجربیات آسیب‌زای دوران کودکی، صفات شخصیت مرزی و صفات تاریک شخصیت بر بی‌ثباتی زناشویی می‌تواند به رشد راهبردهایی برای ارتقاء ارتباط سالم و صمیمیت در ازدواج کمک کند، و محیط رابطه رضایت‌بخش‌تر و حمایت‌کننده‌تری را ایجاد نماید. علاوه بر این کاربرد این پژوهش در اطلاع‌رسانی به جامعه انسانی از نظر آگاه‌سازی عوامل روانشناختی در زمینه عوامل مؤثر بر بی‌ثباتی زناشویی می‌باشد و سازمان‌ها و موسسات مرتبط مانند مراکز مشاوره دانشگاه‌ها، مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی تحت نظارت سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره، سازمان بهزیستی و مراکز تحکیم خانواده و ازدواج می‌توانند از نتایج این مطالعه بهره‌مند شوند. در مجموع به نظر می‌رسد درک روابط بین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی، صفات تاریک و مرزی شخصیت و بی‌ثباتی زناشویی می‌تواند به طور قابل توجهی به دانش نظری و کاربردهای عملی در زمینه‌های روانشناسی و مشاوره بیافزاید و یافته‌ها ممکن است به رشد رویکردهای درمانی مؤثر، مداخلات و برنامه‌های آموزشی با هدف بهبود بهزیستی افراد، به‌ویژه زنان متأهل کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بی‌ثباتی زناشویی بر اساس تجارب آسیب‌زای کودکی با میانجیگری صفات تاریک و مرزی شخصیت پیش‌بینی می‌شود؟

روش کار

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری مطالعه شامل زنان متأهل شهر رشت در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. حداقل تعداد نمونه پیشنهادی براساس نظر کلاین (Kline) (۳۷) برای پژوهش‌های الگویابی معادلات ساختاری، ۲۰۰ نفر پیشنهاد گردیده است. بنابراین به روش نمونه‌گیری در دسترس و با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش تعداد ۲۰۰ تن به عنوان نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل، رضایت کامل برای مشارکت در پژوهش، متأهل بودن، دامنه سنی ۱۸ تا ۵۰ سال و گذشت حداقل ۲ سال از زمان ازدواج بود. معیارهای خروج از مطالعه شامل، عدم تمایل به شرکت در پژوهش، پرسشنامه‌های ناقص (عدم تکمیل پرسشنامه حتی در یک گویه) و یا پاسخ مشابه به تمام گویه‌ها بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از

الی ۲۵ و برای کل پرسشنامه ۲۵ تا ۱۲۵ است. نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده تجربه آسیب بیشتر و نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده تجربه آسیب کمتر است. سطح‌بندی نمره یافت نشد. برنستاین (Bernestine) و همکاران (۴۰) روایی ملاکی به روش روایی همزمان تجارب آسیب‌زای کودکی با پرسشنامه فرآیند درمان فردی را در محدوده ۰/۵۹ الی ۰/۷۸ گزارش نمودند. همچنین پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای ابعاد سوء استفاده عاطفی، سوء استفاده جسمی، سوء استفاده جنسی، غفلت عاطفی و غفلت جنسی به ترتیب برابر با ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۹۵، ۰/۸۹، ۰/۷۸ گزارش شد. در نمونه ایرانی شیرخانی و همکاران (۴۱) روایی همگرایی بین مؤلفه‌های پرسشنامه تجارب آسیب‌زای کودکی با مقیاس شرم درونی شده را بین ۰/۲۱ تا ۰/۵۸ گزارش نمودند. همچنین در پژوهش آنها پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شد.

پرسشنامه شخصیت مرزی (Borderline Personality Inventory): پرسشنامه شخصیت مرزی توسط لیسنرینگ (Leichsenring) (۴۲) به منظور سنجش صفات شخصیت مرزی در نمونه‌های بالینی و غیر بالینی در ۵۱ گویه تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۵ بُعد آشفته‌گی هویتی (Identity Diffusion) با ۱۰ عبارت (۸، ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۴۶)، مکانیزم‌های دفاعی اولیه (Primitive Defence Mechanism) با ۸ عبارت (۱، ۹، ۱۰، ۱۶، ۲۹، ۳۹، ۴۰، ۴۸)، واقعیت‌آزمایی آسیب دیده (Poor Reality Testing) با ۵ عبارت (۷، ۱۲، ۱۳، ۲۱، ۴۱)، و ترس از صمیمیت (Fear of Closeness) با ۸ عبارت (۵، ۱۴، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۵۰) است. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه بصورت بله (نمره ۱) و خیر (نمره صفر) است. در این پرسشنامه ۲۰ سوال بیشترین ارزش را در تعیین وضعیت شخصیتی فرد دارند این ۲۰ سوال مربوط به یک عامل جداگانه نیستند، بلکه سوالات آن برگرفته از عامل‌های چهار گانه این پرسشنامه است. در این پرسشنامه، اگر نمره فرد در این ۲۰ سوال

(۲۰ سوال نمره برش) بالاتر از ۱۰ باشد، به احتمال بالایی فرد دارای شخصیت مرزی است. اگر مجموع نمرات این ۲۰ سوال کوچک‌تر از ۱۰ باشد، فرد به احتمال بسیار اندکی دارای شخصیت مرزی خواهد بود. در پژوهش لیسنرینگ (Leichsenring) (۴۲) پایایی به شیوه همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۱ گزارش شد. در پژوهش محمدزاده و رضایی (۴۳) میزان پایایی به روش بازآزمایی، دو نیمه‌سازی و همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ به ترتیب با ضرایب ۰/۸۰، ۰/۸۳، ۰/۸۵، به دست آمد.

پرسشنامه صفات تاریک شخصیت (Dark Triad Dirty Dozen): این پرسشنامه توسط جانسون و وبستر (Jonason & Webster) (۳۲) به منظور ارزیابی صفات تاریک شخصیت در ۱۲ گویه تدوین شده است. این مقیاس شامل سه بُعد ماکیاولیگری (Machiavellianism) با ۴ عبارت (۱-۴)، جامعه‌ستیزی (Psychopathy) با ۴ عبارت (۵-۸) و خود شیفته‌گی (Narcissism) با ۴ عبارت (۹-۱۲) است. هر گویه بر یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره یک) تا کاملاً موافقم (نمره ۷) نمره‌گذاری می‌شود و نمره بالا نشان‌دهنده میزان بالای صفات تاریک شخصیت در فرد است. حداقل نمره ۱۲ و حداکثر نمره ۸۴ است. سطح‌بندی نمرات یافت نشد. جانسون و وبستر (Jonason & Webster) (۳۲) ضریب پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را ۰/۸۹ برای کل مقیاس، برای بُعد ماکیاولی ۰/۸۶، برای جامعه‌ستیزی ۰/۷۶ و برای خود شیفته‌گی ۰/۸۷ گزارش کردند. در پژوهش شریفی‌نیا و هارون رشیدی (۴۴) ضریب آلفای کرونباخ برای بُعد ماکیاولی، جامعه‌ستیزی و خود شیفته‌گی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۲، ۰/۷۴ گزارش شده است.

یافته‌ها

تعداد نفرات شرکت‌کننده در پژوهش حاضر ۲۰۰ نفر بودند. در این مطالعه یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که میانگین سنی ۳۲/۵۵ و انحراف معیار ۷/۷۸۹ است.

عاطفه صیادفر و طاهره حمزه پور حقیقی

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، و نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
صفات تاریک شخصیت	خودشیفتگی	۱۳/۵۵۵۰	۲/۶۶۵	۰/۲۴۸	-۰/۱۰۱
	ماکیاولگرایی	۸/۱۹۰	۳/۶۹۲	۰/۴۶۴	-۱/۰۷۲
	جامعه‌ستیز	۸/۱۷۰	۳/۴۱۰	۰/۴۱۱	-۰/۸۴۲
تجارب آسیب‌زای کودکی	سوءاستفاده عاطفی	۷/۹۷۰	۳/۷۷۸	۱/۳۳۳	۰/۹۰۰
	سوءاستفاده فیزیکی	۶/۳۱۵	۲/۰۰۶	۵۷۷/۱	۱/۶۷۸
	سوءاستفاده جنسی	۶/۸۰۵	۱۲۱/۳	۷۶۲/۱	۱/۸۳۷
	غفلت عاطفی	۱۲/۷۷۰	۴/۲۹۸	۰/۱۲۲	-۰/۵۴۴
	غفلت جسمی	۸/۸۸۵	۲/۷۱۰	۰/۴۲۴	-۰/۳۴۴
	بی‌ثباتی زناشویی	۲۱/۲۲۵	۸/۱۱۹	۱/۱۲۴	۰/۲۳۰
صفات شخصیت مرزی	آشفته‌گی هویتی	۱/۱۵۵	۱/۷۳۶	۱/۵۳۲	۱/۴۹۴
	مکانیزم‌های دفاعی اولیه	۱/۸۵۰	۲/۱۵۶	۰/۹۲۵	-۰/۲۵۷
	واقعیت‌آزمایی	۰/۳۲۰	۰/۶۳۲	۱/۷۹۱	۱/۸۵۱
	ترس از صمیمیت	۱/۷۸۰	۲/۰۵۹	۱/۱۰۱	۰/۱۵۰

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و نرمال بودن متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. تعداد شرکت‌کنندگان ۲۰۰ نفر بودند. پیش‌فرض‌های آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری شامل نرمال بودن، استقلال خطاها، و هم‌خطی چندگانه، و ماتریس همبستگی است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته شده است. نتایج بررسی آماره‌های کجی و کشیدگی نشان می‌دهد که همه در محدوده $+2$ الی -2 قرار دارند، در واقع با استناد به این آماره‌ها دارای توزیع نرمال است. مقدار خود همبستگی در باقی مانده‌ها با استفاده

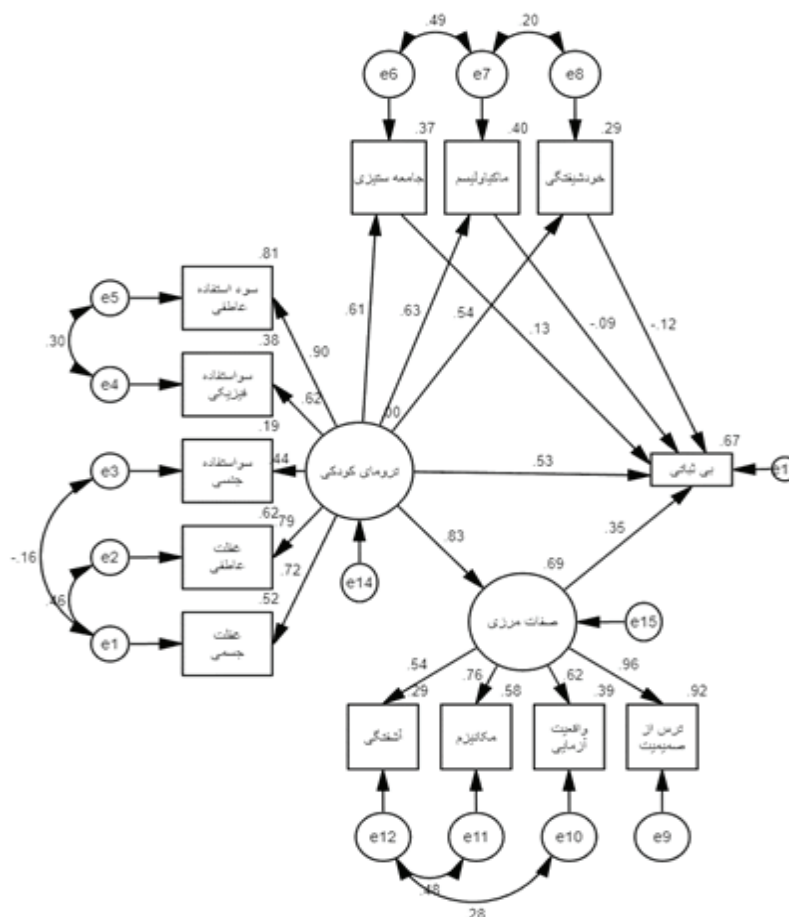
از آزمون دوربین واتسون ($2/031$) مطلوب گزارش شد؛ چرا که در دامنه $1/50$ الی $2/50$ وجود داشت. همچنین چندخطی (همخطی) بین متغیرهای پیش بین وجود نداشت و آماره تحمل بین $0/25$ و $0/75$ محاسبه شد و هیچ‌کدام از مقادیر عامل تورم واریانس بزرگتر از حد مجاز 10 نمی‌باشند. در نهایت از آنجایی که یکی از مفروضات مهم در معادلات ساختاری وجود روابط همبستگی معنادار بین متغیرها است در جدول ۲ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش آمده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	
۱- بی‌ثباتی زناشویی	-												
۲- سوء استفاده عاطفی	۰۰/۶۷۵	-											
۳- سوء استفاده فیزیکی	۰۰/۴۳۰	۰۰/۶۵۹	-										
۴- سوء استفاده جنسی	۰۰/۳۸۷	۰۰/۴۰۵	۰۰/۳۱۶	-									
۵- غفلت عاطفی	۰۰/۶۳۸	۰۰/۷۰۰	۰۰/۵۰۹	۰۰/۳۴۶	-								
۶- غفلت جسمی	۰۰/۵۷۲	۰۰/۶۵۵	۰۰/۴۷۰	۰۰/۲۲۱	۰۰/۷۶۷	-							
۷-خودشیفتگی	۰۰/۳۱۴	۰۰/۵۰۵	۰۰/۴۲۵	۰۰/۱۴۱	۰۰/۴۵۲	۰۰/۳۹۲	-						
۸-ماکیاولگرایی	۰۰/۴۴۵	۰۰/۵۷۱	۰۰/۳۸۵	۰۰/۲۶۳	۰۰/۵۱۶	۰۰/۵۳۲	۰۰/۴۷۰	-					
۹-جامعه‌ستیزی	۰۰/۵۵۰	۰۰/۵۱۶	۰۰/۳۲۰	۰۰/۲۸۷	۰۰/۴۹۰	۰۰/۴۳۵	۰۰/۳۲۹	۰۰/۶۸۴	-				
۱۰- آشفته‌گی هویت	۰۰/۳۷۲	۰۰/۳۴۸	۰۰/۲۱۱	۰۰/۲۹۴	۰۰/۱۸۵	۰/۰۱۲۵	۰/۰۹۳	۰/۰۲۴	۰۰/۳۲۹	-			
۱۱- مکانیزم‌های دفاعی اولیه	۰۰/۶۰۵	۰۰/۵۷۹	۰۰/۳۳۴	۰۰/۲۷۳	۰۰/۴۱۲	۰۰/۳۷۱	۰۰/۲۶۱	۰۰/۲۶۲	۰۰/۴۲۳	۰۰/۶۸۲	-		
۱۲- واقعیت‌آزمایی آسیب دیده	۰۰/۴۵۷	۰۰/۴۸۴	۰۰/۳۱۶	۰۰/۱۸۵	۰۰/۳۳۷	۰۰/۳۰۰	۰۰/۲۳۱	۰۰/۱۹۳	۰۰/۲۸۰	۰۰/۵۵۹	۰۰/۵۴۸	-	
۱۳- ترس از صمیمیت	۰۰/۷۳۷	۰۰/۷۴۵	۰۰/۴۷۲	۰۰/۳۲۱	۰۰/۶۱۶	۰۰/۵۴۱	۰۰/۴۱۴	۰۰/۴۷۴	۰۰/۵۶۱	۰۰/۵۲۴	۰۰/۷۲۹	۰۰/۵۹۵	-

روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج آن در قالب شکل ۱ و جداول اثرات مستقیم و غیر مستقیم ارائه شده است.

نتایج جدول ۲ حاکی از همبستگی معنادار بین متغیرهای پژوهش است، بنابراین امکان بررسی مدل پژوهش فراهم گردید. در ادامه برای بررسی اثرهای مستقیم و میانجی از



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

را در شرکت کنندگان تبیین کرد. جدول ۳ شاخص های برازش اصلاح شده الگوی ساختاری را نشان می دهد.

شکل ۱ نشان می دهد که الگوی معادلات ساختاری تجارب آسیب زای کودکی با میانجی گری صفات تاریک و مرزی شخصیت در مجموع ۶۷ درصد از واریانس بی ثباتی زناشویی

جدول ۳. شاخص های برازندگی مدل برازش شده پژوهش

نوع شاخص	شاخص ها	مقدار به دست آمده	مقدار قابل قبول
شاخص های مطلق	CMIN	۱۱۹/۳۲۰	-
	درجه آزادی (df)	۵۳	-
	سطح معناداری (P)	۰/۰۰۱	بیشتر از ۰/۰۵
	χ^2/df	۲/۲۵۱	کمتر از ۳
شاخص های نسبی	شاخص توکر- لویس (TLI)	۰/۹۳۸	بزرگتر از ۰/۹۰
	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۵۸	بزرگتر از ۰/۹۰
	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹۵۹	بزرگتر از ۰/۹۰
	شاخص برازش هنجار شده (NFI)	۰/۹۲۸	بزرگتر از ۰/۹۰
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱۵	بزرگتر از ۰/۹۰
	ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)	۰/۰۷۹	کمتر از ۰/۰۸

عاطفه صیادفر و طاهره حمزه پور حقیقی

جدول ۳ نشان می‌دهد شاخص‌های برازندگی حاصل از الگوی معادلات ساختاری از برازش قابل قبول برخوردار است. در ادامه نتایج جدول ۴ و ۵ اثرات مستقیم و میانجی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴. ضرایب استاندارد و مستقیم در مدل پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار t (C.R.)	ضریب مسیر استاندارد	خطا استاندارد	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
تجارب آسیب‌زای کودکی	بی‌ثباتی زناشویی	۳/۶۷۰	۰/۵۲۸	۰/۱۹۵	۰/۱۷۹	۰/۹۴۹	۰/۰۰۴
صفات شخصیت مرزی	بی‌ثباتی زناشویی	۳/۰۶۰	۰/۳۵۱	۰/۱۶۹	۰/۰۰۴	۰/۶۷۱	۰/۰۴۷
خودشیفتگی	بی‌ثباتی زناشویی	-۲/۲۴۸	-۰/۱۲۴	۰/۰۷۴	-۰/۲۷۰	۰/۰۲۰	۰/۰۹۳
ماکیاولگرایی	بی‌ثباتی زناشویی	-۱/۲۶۴	-۰/۰۸۹	۰/۰۸۳	-۰/۲۵۴	۰/۰۶۸	۰/۲۷۹
جامعه‌ستیزی	بی‌ثباتی زناشویی	۲/۰۳۸	۰/۱۳۴	۰/۰۷۷	-۰/۰۰۸	۰/۳۰۱	۰/۰۶۹
تجارب آسیب‌زای کودکی	خودشیفتگی	۷/۳۱۷	۰/۵۴۳	۰/۰۵۴	۰/۴۳۰	۰/۶۴۲	۰/۰۰۱
تجارب آسیب‌زای کودکی	ماکیاولگرایی	۸/۶۰۷	۰/۶۳۰	۰/۰۴۷	۰/۵۳۰	۰/۷۱۵	۰/۰۰۱
تجارب آسیب‌زای کودکی	جامعه‌ستیزی	۸/۱۹۸	۰/۶۱۰	۰/۰۴۸	۰/۵۰۸	۰/۶۹۸	۰/۰۰۱
تجارب آسیب‌زای کودکی	صفات شخصیت مرزی	۱۰/۵۸۹	۰/۸۳۳	۰/۰۳۳	۰/۷۶۰	۰/۸۹۳	۰/۰۰۱

جدول ۴ نشان می‌دهد تجارب آسیب‌زای کودکی با ضریب مسیر $(\beta=0/528)$ بر بی‌ثباتی زناشویی اثر مستقیم مثبت و معنادار دارد $(P<0/05)$. صفات شخصیت مرزی با ضریب مسیر $(\beta=0/351)$ بر بی‌ثباتی زناشویی اثر مثبت مستقیم و معنادار دارد $(P<0/05)$. خودشیفتگی با ضریب مسیر $(\beta=0/124)$ و ماکیاولگرایی با ضریب مسیر $(\beta=0/089)$ و جامعه‌ستیزی با ضریب مسیر $(\beta=0/134)$ بر بی‌ثباتی زناشویی اثر مستقیم ندارد $(P>0/05)$. تجارب آسیب‌زای

کودکی بر خودشیفتگی با ضریب مسیر $(\beta=0/543)$ ، ماکیاولگرایی با ضریب مسیر $(\beta=0/630)$ و جامعه‌ستیزی با ضریب مسیر $(\beta=0/610)$ اثر مستقیم دارد $(P<0/05)$. تجارب آسیب‌زای کودکی بر صفات شخصیت مرزی با ضریب مسیر $(\beta=0/833)$ اثر مستقیم دارد $(P<0/05)$. نتایج روش بوت استرپ برای بررسی مسیرهای میانجی یا غیرمستقیم در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج بوت استرپ برای بررسی روابط میانجی

متغیر مستقل	میانجی	متغیر وابسته	ضریب مسیر	برآورد غیر استاندارد	خطا استاندارد	حد پایین	حد بالا	مقدار احتمال
تجارب آسیب‌زای کودکی	صفات شخصیت مرزی	بی‌ثباتی زناشویی	۰/۲۹	۱/۲۰۵	۰/۵۷۰	۰/۰۴۷	۲/۳۲۳	۰/۰۴۳
تجارب آسیب‌زای کودکی	خودشیفتگی	بی‌ثباتی زناشویی	۰/۰۷۹	۰/۳۳۷	۰/۲۰۴	-۰/۰۱۷	۰/۷۹۹	۰/۰۶۶
تجارب آسیب‌زای کودکی	ماکیاولگرایی	بی‌ثباتی زناشویی	-۰/۰۵۶	-۰/۲۳۱	۰/۲۲۷	-۰/۲۳۱	-۰/۷۲۳	۰/۲۷۷
تجارب آسیب‌زای کودکی	جامعه‌ستیزی	بی‌ثباتی زناشویی	-۰/۰۶۴	-۰/۲۷۷	۰/۱۷۱	-۰/۶۵۵	۰/۰۳۷	۰/۰۸۲

$(P>0/05)$

بحث

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی بی‌ثباتی زناشویی بر اساس تجارب آسیب‌زای کودکی با نقش میانجی صفات تاریک و مرزی شخصیت در زنان متاهل انجام شد. نتایج

جدول ۵ نشان می‌دهد تجارب آسیب‌زای کودکی با نقش میانجی صفات شخصیت مرزی با ضریب مسیر $(\beta=0/29)$ بر بی‌ثباتی زناشویی اثر غیر مستقیم دارد $(P<0/05)$. همچنین تجارب آسیب‌زای دوران کودکی با نقش میانجی صفات تاریک شخصیت (خودشیفتگی، ماکیاولگرایی و جامعه‌ستیزی) بر بی‌ثباتی زناشویی اثر غیر مستقیم ندارد

پژوهش حاضر نشان داد تجارب آسیب‌زای کودکی، بی‌ثباتی زناشویی در زنان متاهل را پیش‌بینی می‌کند. این یافته پژوهش با مطالعات بارتک (Bartek) و همکاران (۱۴)، بنفورد ویتینگ و بازبی (Banford Witting & Busby) (۱۱) از منظر ارتباط بین تجارب آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی به طور ضمنی همسو است. در بررسی پیشینه مطالعه ناهمسویی یافت نشد. همسو با نتایج پژوهش بارتک (Bartek) و همکاران (۱۴) در مطالعه‌ای نشان دادند فقدان محبت والدین در کودکی منجر به افزایش آسیب‌پذیری در برابر افسردگی و بی‌ثباتی زناشویی می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تجارب آسیب‌زای کودکی می‌تواند به طور قابل توجهی بر رشد روانی و تنظیم هیجانی افراد تأثیر بگذارد (۲۳). تجارب آسیب‌زای کودکی می‌تواند منجر به مشکلات عاطفی طولانی مدت از جمله اضطراب، افسردگی و پریشانی‌های روانی متعدد شود. این شرایط مدیریت مؤثر عواطف را برای افراد دشوار می‌کند و اغلب منجر به نوسانات عاطفی و مشکل در ایجاد روابط پایدار و سالم می‌شود (۲۵). در زمینه ازدواج، این مسائل می‌تواند منجر به تعارض، سوء تفاهم و ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر شود که از عوامل اصلی بی‌ثباتی زناشویی هستند. نتایج همچنین نشان داد صفات شخصیت مرزی، بی‌ثباتی زناشویی را در زنان متاهل پیش‌بینی می‌کند. این یافته پژوهش با مطالعات برزگر و همکاران (۱۶)، و ناوارو گومز (Navarro-Gómez) و همکاران (۱۷) از منظر ارتباط بین صفات شخصیت مرزی و بی‌ثباتی زناشویی به طور ضمنی همسو است. در بررسی پیشینه مطالعه ناهمسویی یافت نشد. همسو با نتایج پژوهش، ناوارو گومز (Navarro-Gómez) و همکاران (۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که روابط عاشقانه ناپایدار و آشفته هسته اصلی اختلال عملکرد بین فردی در افراد با شخصیت مرزی است. بر اساس مدل نظری زیستی-اجتماعی (۲۱) در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد با صفات شخصیت مرزی با بی‌ثباتی عاطفی قابل توجه و نوسانات خلقی شدید مشخص می‌شوند. افراد با صفات شخصیت مرزی اغلب احساسات را با شدت بالاتری تجربه می‌کنند و ممکن است تغییرات سریعی در خلق و خوی خود، از افسردگی عمیق به خشم یا اضطراب شدید در مدت کوتاهی داشته باشند. این نوسانات عاطفی می‌تواند برای یک رابطه زناشویی چالش برانگیز باشد، زیرا یک محیط غیرقابل پیش‌بینی و اغلب آشفته ایجاد می‌کند. زوجین

دارای همسر با صفات شخصیت مرزی ممکن است به طور مشخص ندانند که چه چیزی ممکن است باعث طغیان عاطفی بعدی شود. این مسئله می‌تواند منجر به استرس مزمن، سوء تفاهم و درگیری شود که در نهایت به بی‌ثباتی زناشویی منجر می‌شود (۲۷).

نتایج همچنین نشان داد صفات تاریک شخصیت، بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کند. این یافته پژوهش با مطالعات بخشی پور و سراج (۲۸)، بشرپور و همکاران (۲۹) و هی (He) و همکاران (۱۵) از منظر ارتباط بین صفات تاریک شخصیت و بی‌ثباتی زناشویی به طور ضمنی ناهمسو است. با این حال یو و همکاران (۳۳) در مطالعه‌ای نشان دادند که ویژگی‌های تاریک شخصیت مانند ماکیاوگرایی و جامعه‌ستیزی تأثیر مستقیمی بر بی‌ثباتی زناشویی ندارد و صرفاً از طریق عوامل دیگری مانند کیفیت زناشویی به طور غیر مستقیم بر بی‌ثباتی زناشویی تأثیر می‌گذارد. از این جهت این یافته پژوهش به طور ضمنی با مطالعه یو (Yu) و همکاران (۳۳) همسو است. در تبیین این یافته باید توجه داشت که این مطالعه فقط در زنان متاهل شهر رشت انجام شده است و شرایط خانوادگی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی می‌تواند در این نتایج اثرگذار باشد. همچنین یکی دیگر از علل ناهمسویی نتایج پژوهش حاضر در زمینه اثر مستقیم صفات تاریک شخصیت بر بی‌ثباتی زناشویی با مطالعات پیشین می‌توان به شیوه نمونه‌گیری اشاره کرد و ممکن است با نمونه آماری گسترده‌تر که معرف منطقی جامعه آماری باشد، بتوان به نتایج دیگری دست پیدا کرد. نتایج همچنین نشان داد تجارب آسیب‌زای کودکی، صفات تاریک شخصیت در زنان متاهل را پیش‌بینی می‌کند. این یافته پژوهش با مطالعات فرنس (Ferencz) و همکاران (۴۵) و جیانگ (Jiang) و همکاران (۳۵) از منظر ارتباط بین تجارب آسیب‌زای کودکی با صفات تاریک شخصیت به طور ضمنی همسو است. در بررسی پیشینه مطالعه ناهمسویی یافت نشد. همسو با نتایج پژوهش حاضر، (Ferencz) و همکاران (۴۵) نشان دادند که وجود پریشانی و آشفتگی در روابط خانوادگی تأثیر معناداری بر صفات تاریک شخصیت دارد. همچنین جیانگ (Jiang) و همکاران (۳۵) نشان دادند قربانیان بدرفتاری در کودکی بیشتر احتمال دارد که ویژگی‌های شخصیتی تاریک پیدا کنند. در تبیین این یافته بر اساس نظریه‌های شناختی-رفتاری (۴۶) می‌توان گفت آسیب‌های کودکی می‌تواند جهان بینی‌های بدبینانه را تقویت کند و به رشد

همکاران (۳۶)، مارچتی (Marchetti) و همکاران (۲۵)، ناوارو گومز (Navarro-Gómez) و همکاران (۱۷) از منظر ارتباط بین تجارب آسیب‌زای کودکی، صفات شخصیت مرزی و بی‌ثباتی زناشویی به طور ضمنی همسو است. در بررسی پیشینه مطالعه ناهمسویی یافت نشد. بر اساس مدل نظری دشواری در تنظیم هیجان می‌توان بیان کرد افرادی که تجارب آسیب‌زا را تجربه می‌کنند ممکن است، رفتارهایی مانند ترس شدید از رها شدن، آشفتگی هویت و تکانشگری را نشان دهند (۱۹). این صفات مشخصه اصلی شخصیت مرزی هستند و به عنوان مکانیسم‌های مقابله‌ای ناسازگار برای مدیریت پریشانی شدید ناشی از تجارب آسیب‌زا به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر تجارب آسیب‌زای حل نشده، رشد عاطفی و روانی بهنجار را مختل می‌کند و زمینه را برای ظهور ویژگی‌های شخصیت مرزی فراهم می‌کند. در زمینه روابط زناشویی، نوسانات هیجانی افراد با ویژگی شخصیت مرزی می‌تواند منجر به تعارضات مکرر، سوء تفاهم‌ها و مشکلات در برقراری ارتباط موثر شود. در واقع ناتوانی در تنظیم هیجان که به دنبال تجارب آسیب‌زای کودکی ایجاد شده است، محیطی پرآشوب ایجاد می‌کند که ثبات و پایداری ازدواج را تضعیف می‌کند و به بی‌ثباتی زناشویی منجر می‌شود.

نتایج همچنین نشان داد صفات تاریک شخصیت بین تجارب آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی در زنان متاهل نقش میانجی ندارد. این یافته پژوهش با مطالعات هی (He) و همکاران (۱۵)، جیانگ (Jiang) و همکاران (۳۵)، و یو (Yu) و همکاران (۳۳) از منظر ارتباط بین تجارب آسیب‌زای کودکی، صفات تاریک شخصیت و بی‌ثباتی زناشویی به طور ضمنی ناهمسو است. عدم میانجی‌گری ویژگی‌های تاریک شخصیتی در رابطه بین تجربیات آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی را می‌توان از طریق چندین عامل کلیدی درک کرد. ویژگی‌های تاریک شخصیتی سازه‌های چندوجهی هستند که به‌طور متفاوتی در بین افراد ظاهر می‌شوند (۳۱). در حالی که این صفات با مشکلات بین فردی و رفتارهای ناکارآمد در زمینه‌های مختلف مرتبط هستند، نقش خاص آنها به عنوان واسطه بین آسیب‌های کودکی و بی‌ثباتی زناشویی ممکن است متفاوت باشد. به عنوان مثال، همه افراد با سابقه تجارب آسیب‌زای کودکی دارای ویژگی‌های شخصیتی تاریک نیستند و همه افراد دارای این ویژگی‌ها لزوماً بی‌ثباتی زناشویی را تجربه نمی‌کنند.

ویژگی‌های شخصیتی تاریک کمک کند. تجارب آسیب‌زا اغلب به کودکان می‌آموزند که دنیا مکانی خطرناک و غیرقابل اعتماد است. این جهان بینی می‌تواند به یک دیدگاه بدبینانه منجر شود، که در آن افراد بدترین چیزها را از دیگران انتظار دارند و رویکردی خودخواهانه به زندگی اتخاذ می‌کنند. این بدبینی یک جنبه اساسی صفات تاریک شخصیت از جمله جامعه ستیزی و ماکیاولیگری است که در آن اعتقاد به خودخواهی و فریبکاری ذاتی دیگران رفتارهای دستکاری و استثمارگرانه را توجیه می‌کند (۳۲). علاوه بر این هنگامی که کودکان غفلت یا سوء استفاده عاطفی را تجربه می‌کنند، ممکن است به عنوان یک مکانیسم دفاعی برای محافظت از عزت نفس شکننده خود، احساس بزرگی از خود را ایجاد کنند. این جبران بیش از حد می‌تواند منجر به ایجاد خودشیفتگی شود که با بزرگ‌نمایی، نیاز به تحسین و عدم همدلی مشخص می‌شود.

نتایج همچنین نشان داد تجارب آسیب‌زای کودکی، صفات شخصیت مرزی در زنان متاهل را پیش‌بینی می‌کند. این یافته پژوهش با مطالعات انفعال و همکاران (۲۶)، مارچتی (Marchetti) و همکاران (۲۵)، هرزوغ (Herzog) و همکاران (۲۳) از منظر ارتباط بین تجارب آسیب‌زای کودکی با صفات شخصیت مرزی به طور ضمنی همسو است. در بررسی پیشینه مطالعه ناهمسویی یافت نشد. همسو با نتایج پژوهش حاضر مارچتی (Marchetti) و همکاران (۲۵) نشان دادند تجارب نامطلوب کودکی عوامل خطر مهمی در ایجاد علائم اختلال شخصیت مرزی هستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت بر اساس مدل نظری زیستی-اجتماعی (۲۱) افراد با صفات شخصیت مرزی اغلب نوسانات خلقی شدید و احساسات شدید را تجربه می‌کنند و برای بازگشت به یک حالت عاطفی پایدار با مشکلاتی مواجه هستند. تجارب آسیب‌زا در کودکی قابلیت آن را دارد که به طور قابل توجهی توانایی فرد در تنظیم هیجانات را مختل نماید. به طوریکه تجارب آسیب‌زا در کودکی رشد طبیعی نواحی مغزی را که مسئول تنظیم هیجانی هستند مختل می‌کند و منجر به افزایش حساسیت به استرس و مشکل در مدیریت هیجانات شدید می‌شود. این بی‌نظمی هیجانی یکی از ویژگی‌های اصلی افراد با صفات شخصیت مرزی است (۱۹، ۲۳).

نتایج همچنین نشان داد صفات شخصیت مرزی بین تجارب آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی در زنان متاهل نقش میانجی دارد. این یافته پژوهش با مطالعات صبور و

خودشیفتگی، ماکیاولگرایی و جامعه ستیزی، بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کند. تجارب آسیب‌زای کودکی با نقش میانجی صفات شخصیت مرزی، بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. تجارب آسیب‌زای کودکی با نقش میانجی صفات تاریک شخصیت (خودشیفتگی، ماکیاولگرایی و جامعه ستیزی) بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی نمی‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود تا متخصصین، آگاه‌سازی‌هایی به زنان متاهل در مورد عوامل مؤثر بر بی‌ثباتی زناشویی آموزش دهند. همچنین با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده میانجی‌های جایگزین را در نظر بگیرند و روش‌های دقیق را برای روشن کردن مسیرهای پیچیده‌ای که تجربیات آسیب‌زای کودکی را به بی‌ثباتی زناشویی پیوند می‌دهد، روشن کنند. از محدودیت‌های مطالعه حاضر می‌توان به عدم کنترل تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و روش نمونه‌گیری در دسترس اشاره کرد.

سیاسگزاری

مطالعه حاضر مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی نویسنده نخست مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان است. علاوه بر این پژوهش با کد IR.IAU.RASHT.REC.1403.009 به تصویب کمیته اخلاق دانشگاه آزاد رسیده است. از کلیه مسئولین و همه افرادی که در انجام این پژوهش یاری رساندند صمیمانه سپاسگزاری به عمل می‌آید.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی را گزارش نکردند.

References

1. Pourmeidani S, Noori A, Shafte SA. Relationship Between Life Style and Marital Satisfaction. Journal of Family Research. 2015; 10(3): 331-344. https://jfr.sbu.ac.ir/article_96524.html?lang=en.
2. Robles TF, Slatcher RB, Trombello JM, McGinn MM. Marital quality and health: a meta-analytic review. Psychological bulletin. 2014;140(1):140-87. <https://doi.org/10.1037/a0031859>.

در نتیجه، در حالی که ویژگی‌های تاریک شخصیت با مشکل در عملکرد بین فردی مرتبط هستند و از لحاظ نظری میانجی‌های قابل قبولی هستند، فقدان حمایت تجربی برای نقش آن‌ها در میانجی‌گری رابطه بین آسیب‌های کودکی و بی‌ثباتی زناشویی، نیاز به تحقیقات دقیق‌تر را نشان می‌دهد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری دردسترس بود که تعمیم نتایج را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در مطالعه حاضر از مقیاس‌ها و پرسشنامه‌های خودگزارشی استفاده شده است که این امر می‌تواند محدودیت‌هایی برای تعمیم نتایج به جامعه اصلی به همراه داشته باشد. در راستای برطرف نمودن محدودیت‌های ذکر شده استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی پیشنهاد می‌شود؛ علاوه بر این در راستای رفع محدودیت استفاده از ابزارهای خودگزارشی پیشنهاد می‌شود در کنار ابزارهای خودگزارشی از مصاحبه نیز استفاده گردد. در نتیجه در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش می‌توان بیان کرد صفات شخصیت مرزی در رابطه بین تجارب آسیب‌زای کودکی و بی‌ثباتی زناشویی به عنوان یک عامل میانجی عمل می‌کند، اما صفات تاریک شخصیت چنین نقشی را ایفا نمی‌کند. به بیان دیگر، تجارب آسیب‌زای کودکی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر صفات شخصیت مرزی به بی‌ثباتی زناشویی منجر شود، اما این تأثیر از طریق صفات تاریک شخصیت مشاهده نشده است.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد تجارب آسیب‌زای کودکی، بی‌ثباتی زناشویی، خودشیفتگی، ماکیاولگرایی، جامعه ستیزی، و صفات شخصیت مرزی را پیش‌بینی می‌کند. صفات شخصیت مرزی، بی‌ثباتی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

3. Balali Dehkordi N, Fatehizade M. Comparison of the effectiveness of Emotion-focused Therapy and Intensive short-term dynamic psychotherapy on marital adjustment of married women with experience of complex childhood trauma. Counseling Culture and Psychotherapy. 2022; 13(51): 31-57. <https://doi.org/10.22054/QC-CPC.2022.65682.2871>.
4. Hosseini hossein abadi pshti S F, ghojari bonab B, mashayekh M, farokhi N, sodagar S. Predic-

- tion of Marital Adjustment Based on the Attachment Styles of Disabled Veterans' Wives. *Military Psychology*. 2019; 10(38): 15-28.<https://doi.org/10.1037/mil0000162>.
5. Kang T, Jaswal S. Marital stability as a correlate of parenting. *Studies on Home and Community Science*. 2009;3(1):39-49.<http://dx.doi.org/10.1080/09737189.2009.11885274>.
6. Ogunrinde ME. Social Factors as Correlates of Marital Instability Among Married Women in Southwest, Nigeria. *International Journal of Academic Research*. 2020;2(4):96-107.<http://doi.org/10.5281/zenodo.3788115>.
7. Batool A, Bajwa RS, Farooq S, Ayub M. The Impact of Marital Instability and Psychological Distress on Quality of Life among Married Women, Pakistan. *Pakistan Journal of Humanities and Social Sciences*. 2023;11(2):2379-86.<https://doi.org/10.52131/pjhss.2023.1102.0536>.
8. Parajuli P. Adverse Childhood Experiences and Adult Marital Adjustment: The Role of Personality Development and Resilience Factors. *The Batuk*. 2024;10(2):97-110.<https://doi.org/10.3126/batuk.v10i2.68145>.
9. Mlotek AE, Paivio SC. Emotion-focused therapy for complex trauma. *Person-Centered & Experiential Psychotherapies*. 2017;16(3):198-214.<http://dx.doi.org/10.1080/14779757.2017.1330704>.
10. Brownell P. Trauma Theory and Abuse, Neglect and Violence Across the Life Course. *Journal of interpersonal violence*. 2024;39(19-20):4041-64.<https://doi.org/10.1177/08862605241264542>.
11. Banford Witting A, Busby D. The long arm of trauma during childhood: Associations with resources in couple relationships. *Journal of Marital and Family Therapy*. 2019;45(3):534-49.<https://doi.org/10.1111/jmft.12354>.
12. Tönbül Ö, Özdemir A. Childhood Trauma and Relationship Satisfaction in Married Turkish Individuals: Mediating the Role of Attachment Injuries. *The Family Journal*. 2024;10664807241256667.<https://doi.org/10.1177/10664807241256667>.
13. Krivickas KM, Sanchez LA, Kenney CT, Wright J. Fiery wives and icy husbands: Childhood abuse and maladaptive marital communication patterns. *Social Science Research*. 2010;39:700-14.<http://dx.doi.org/10.1016/j.ssresearch.2010.05.003>.
14. Bartek ME, Zainal NH, Newman MG. Individuals' marital instability mediates the association of their perceived childhood parental affection predicting adulthood depression across 18 years. *Journal of affective disorders*. 2021;291:235-42.<https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.04.091>.
15. He Q, Wang Y, Xing Y, Yu Y. Dark personality, interpersonal rejection, and marital stability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and individual differences*. 2018;134:232-8.<http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2018.06.003>.
16. Barzgar M, Bagheri M, Khosropoor F. Predicting marital adjustment based on borderline personality traits with the mediating role of defense styles. *Feyz*. 2022; 26 (1) :98-106.<http://dx.doi.org/10.48307/FMSJ.2022.26.1.98>.
17. Navarro-Gómez S, Frías Á, Palma C. Romantic relationships of people with borderline personality: A narrative review. *Psychopathology*. 2017;50(3):175-87.<https://doi.org/10.1159/000474950>.
18. Kuo JR, Khoury JE, Metcalfe R, Fitzpatrick S, Goodwill A. An examination of the relationship between childhood emotional abuse and borderline personality disorder features: The role of difficulties with emotion regulation. *Child abuse & neglect*. 2015;39:147-55.<https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2014.08.008>.
19. Chapman AL. Borderline personality disorder and emotion dysregulation. *Development and Psychopathology*. 2019;31(3):1143-56.<https://doi.org/10.1017/s0954579419000658>.
20. Karas KH, Baharikhoo P, Kolla NJ. Borderline personality disorder and its symptom clusters: A review of positron emission tomography and single photon emission computed tomography studies. *Psychiatry Research: Neuroimaging*. 2021;316:111357.<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2021.111357>.
21. Linehan MM, Kheir CA. Borderline personality disorder: The Guilford Press; 1993.<https://psycnet.apa.org/record/1993-98942-010>.
22. Kulacaoglu F, Kose S. Borderline personality disorder (BPD): in the midst of vulnerability, chaos, and awe. *Brain sciences*. 2018;8(11):201.<https://doi.org/10.3390/brainsci8110201>.
23. Herzog P, Kube T, Fassbinder E. How childhood maltreatment alters perception and cognition—

- the predictive processing account of borderline personality disorder. *Psychological medicine*. 2022;52(14):2899-916.<https://doi.org/10.1017/s0033291722002458>.
24. Kroener J, Schaitz C, Karabatsiakakis A, Maier A, Connemann B, Schmied E, et al. Relationship dysfunction in couples when one partner is diagnosed with borderline personality disorder: findings from a pilot study. *Behavioral Sciences*. 2023;13(3):253.<https://doi.org/10.3390/bs13030253>.
25. Marchetti D, Musso P, Verrocchio MC, Manna G, Kopala-Sibley DC, De Berardis D, et al. Childhood maltreatment, personality vulnerability profiles, and borderline personality disorder symptoms in adolescents. *Development and psychopathology*. 2022;34(3):1163-76.<https://doi.org/10.1017/s0954579420002151>.
26. Enfael N, Omidvar B, Zarenejad M. Predicting Borderline Personality Traits Based on Childhood Trauma and Family Emotional Atmosphere in Drug Addicts. *Pajouhan Scientific Journal*. 2021; 19 (3) :1-11.<http://dx.doi.org/%E2%80%8E10.61186/psj.19.3.1>.
27. Maneta E, Cohen S, Schulz MS, Waldinger R. Two to tango: A dyadic analysis of links between borderline personality traits and intimate partner violence. *Journal of personality disorders*. 2013;27(2):233-43.<https://doi.org/10.1521/pedi.2013.27.2.233>.
28. Bakshipour A, Seraj H. The relationship between self-compassion and dark personality traits with marital incompatibility among divorce applicants. *The Journal of New Advances in Behavioral Sciences*. 2022; 8 (56):134-125.<https://ijndibs.com/article-1-833-en.html>.
29. Basharpour S, Ebadi M, Narimani M. The Mediating Role of Rejection Sensitivity in As-sociation between Dark Triad and Marital Distress. *Journal Of Social Work*. 2021;10(2):5-15.<http://dorl.net/dor/20.1001.1.1735451.1400.10.2.1.3>.
30. Paulhus DL, Curtis SR, Jones DN. Aggression as a trait: The Dark Tetrad alternative. *Current opinion in psychology*. 2018;19:88-92.<https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.04.007>.
31. Koehn MA, Okan C, Jonason PK. A primer on the Dark Triad traits. *Australian Journal of Psychology*. 2019;71(1):7-15.<https://doi.org/10.1111/ajpy.12198>.
32. Jonason PK, Webster GD. The dirty dozen: a concise measure of the dark triad. *Psychological assessment*. 2010;22(2):420-32.<https://doi.org/10.1037/a0019265>.
33. Yu Y, Wu D, Wang J-M, Wang Y-C. Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*. 2020;154:109689.<http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2019.109689>.
34. Lişman CG, Holman AC. Dark, dissatisfied and disengaged: Propensity towards marital infidelity, the dark triad, marital satisfaction and the mediating role of moral disengagement. *Psihologija*. 2023(00):3-<https://doi.org/10.2298/PSI220410003L>.
35. Jiang Z, Xu X, Zhao Y, Lv C, Liu J. Childhood maltreatment and the attribution of humanizing traits to self and others: The mediating role of the dark personality traits. *Personality and individual differences*. 2021;177:110793.<http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2021.110793>.
36. saboor S, Zarbakhsh MR, Khanesh Keshi A. Structural model of borderline personality syndrome based on the experience of childhood trauma and emotional dysregulation with the mediating role of mentalization. *Journal of Applied Family Therapy*. 2023; 4(3): 337-354.https://www.aftj.ir/article_179127.html?lang=en.
37. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling: Guilford publications; 2016.<https://psycnet.apa.org/record/2015-56948-000>.
38. Edwards JN, Johnson DR, Booth A. Marital Instability Index. *Family Relations: An Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies*.<https://doi.org/10.1037/t24685-000>.
39. Islami Baba Heidari F, Asgari F, zargami hajebi M. Correlation of Sexual Schemas with Marital Conflicts and Marital Instability in Couples. *Journal of Health Promotion Management*. 2021; 10 (2) :98-109.<http://jhpm.ir/article-1-1237-en.html>.
40. Bernstein DP, Stein JA, Newcomb MD, Walker E, Pogge D, Ahluvalia T, et al. Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child abuse & neglect*. 2003;27(2):169-90.[https://doi.org/10.1016/s0145-2134\(02\)00541-0](https://doi.org/10.1016/s0145-2134(02)00541-0).
41. Shirkhani M, Aghamohammadian Sharbaf

- H, Moeenizadeh M. Predicting the severity of obsessive-compulsive symptoms based on traumatic childhood experiences: The mediating role of shame. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*. 2022;11(4):39-48.<http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1401.11.4.15.8>.
42. Leichsenring F. Development and first results of the Borderline Personality Inventory: A self-report instrument for assessing borderline personality organization. *Journal of personality assessment*. 1999;73(1):45-63.<https://doi.org/10.1207/s15327752jpa730104>.
43. Mohammadzadeh A , Rezaie A. Validation of the borderline personality inventory in Iran. *International Journal of Behavioral Sciences*. 2011; 5(3): 269-277.https://www.behavsci.ir/article_67743.html.
44. Haroonrashidi H, Sharifinia MA. The Relationship between the Dark Traits of Personality and Emotional Expressiveness with Satisfaction of Life among the Military Personnel in Ahvaz, Iran. *Military Psychology*. 2020; 11(41): 41-49.<https://dorl.net/dor/20.1001.1.25885162.1399.11.41.4.8>.
45. Ferencz T, Láng A, Kocsor F, Kozma L, Babós A, Gyuris P. Sibling relationship quality and parental rearing style influence the development of Dark Triad traits. *Current Psychology*. 2023;42(28):24764-81.<https://doi.org/10.1007/s12144-022-03506-z>.
46. Foa EB, Steketee G, Rothbaum BO. Behavioral/ cognitive conceptualizations of post-traumatic stress disorder. *Behavior therapy*. 1989;20(2):155-76.<https://doi.org/10.1016/S0005-7894%2889%2980067-X>.